

بررسی نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ سیاسی

غفار زارعی* - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لامرد، گروه علوم سیاسی، لامرد، ایران.
 سروگل تقی پور - دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران.

Review of the Structure of urban management in the development of political culture

Abstract

The purpose of this paper is to examine the structural parameters of urban management in effecting a significant contribution to the development of political culture it is. The aim of the present study was functional, descriptive in nature, in terms of procedure survey. The study population consisted of citizens in Tehran in 1395 was 29-18. The sample size of 200 was determined. Was multistage cluster sampling method? To measure the variables of the questionnaire consists of 20 items was used. To check the validity with respect to the nature of the subject, including the validity of the judgment on the validity of the questionnaire (expert opinion) and formal was used. To test reliability of Cronbach's alpha coefficient was used. Because the amount obtained for the changing political culture (0.819), the participation of citizens (0.791), civil rights (0.714), provision of municipal services (0.753), was higher than 7.0 indicates internal consistency of the items and confirmed the reliability of the questionnaire. Test hypotheses using one sample t-test inferential bivariate regression was performed using the software SPSS22. So it can be said the urban management structure and political culture in the study population was in good condition. According to the results for every one unit increase in citizen participation, respect people's rights and the provision of municipal services were 47 percent, 56 percent and 33 percent to improved feelings, and perceptions that the political system was added.

Keywords: urban management structure, participation, civil rights, civil service, political culture, citizens

چکیده

هدف این مقاله بررسی سهم معنادار شاخص های ساختار مدیریت شهری در تبیین تغییرات توسعه فرهنگ سیاسی آن ها است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی، به لحاظ روش اجرا پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ۱۸-۲۹ شهر تهران در سال ۱۳۹۵ بود. حجم نمونه ۲۰۰ نفر تعیین گردید. شیوه نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای بود. جهت سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه ای شامل ۲۰ گویه استفاده شد. برای بررسی روایی پرسشنامه ها با توجه به ماهیت موضوع، در فرایند تنظیم پرسشنامه ها از روایی محتوایی که شامل روایی قضاوتی (اظهاری نظر صاحب نظران) و صوری است استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. از آنجا که میزان بدست آمده برای متغیر فرهنگ سیاسی (۰/۸۱۹)، میزان مشارکت شهروندان (۰/۷۹۱)، رعایت حقوق شهروندی (۰/۷۱۴)، ارائه خدمات شهری (۰/۷۵۳)، بالاتر از ۰/۷ بود بیانگر هماهنگی درونی گویه ها و تأیید پایایی پرسشنامه بود. آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از آزمون استنباطی تی تک نمونه ای و رگرسیون دو متغیره با کاربرد نرم افزار SPSS22 انجام گرفت. بر اساس نتایج مقدار آماره t تک نمونه ای برای همه متغیرها، از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر بود در نتیجه اختلاف میانگین همه متغیرها از عدد ۳ معنادار بود، لذا میانگین کلیه مؤلفه های متغیر ساختار مدیریت شهری (میزان مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی، ارائه خدمات شهری) و متغیر فرهنگ سیاسی، در بین شهروندان ۱۸-۲۹ ساله شهر تهران بالاتر از میانگین مفروض (۳) بود. بنابراین می توان گفت ساختار مدیریت شهری و فرهنگ سیاسی در جامعه مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار بود. همچنین بر اساس نتایج به ازاء یک واحد افزایش در مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی و ارائه خدمات شهری به ترتیب ۴۷ درصد، ۵۶ درصد و ۳۳ درصد به بهبود احساسات، و ادراکاتی که مردم به سیستم سیاسی دارند، افزوده شد.

واژگان کلیدی: ساختار مدیریت شهری، مشارکت، حقوق شهروندی، خدمات شهری، فرهنگ سیاسی، شهروندان

مقدمه

مفهوم فرهنگ سیاسی برای نخستین بار توسط گابریل آلموند (۱۹۵۶)، بکار رفت، جنبه خاصی از فرهنگ را به معنای عام شامل می شود که به جهت گیری ها، احساسات، علایق، خلیات، نگرش ها و گرایشات سیاسی اشاره دارد. به عبارت دیگر فرهنگ سیاسی ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور و احساس و ارزش های جامعه در ارتباط با نظام سیاسی و مسائل سیاسی و اجتماعی است (خانیک و سرشار، ۱۳۹۱). فرهنگ سیاسی که در دوران مدرن، پدیده گریزناپذیر زندگی اجتماعی است و نفوذی انکار ناپذیر بر رفتار سیاسی اعضای جامعه دارد، یکی از ارکان و شاخص های عمده رشد و توسعه جامعه به شمار می رود. در این زمینه، باور به سلسله مراتب سیاسی با برابری سیاسی، اعتماد و بی اعتمادی، بدبینی و خوشبینی، احساس امنیت یا ناامنی، گرایش به وفاداری ملی یا وفاداری قومی و غیره، از جمله مواردی است که با فرهنگ سیاسی و به تبع آن، با الگوهای توسعه جامعه، رابطه مستقیمی دارد (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۱). در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل (۲۰۰۲) نیز بر اهمیت توسعه فرهنگ سیاسی برای توسعه انسانی تأکید می شود زیرا مردم در تمام نقاط دنیا تمایل دارند که سرنوشتشان را تعیین کنند، عقایدشان را ارائه دهند و در تصمیماتی که زندگیشان را شکل می دهد مشارکت کنند (رهبرقازی و همکاران، ۱۳۹۵).

رویکردهای مربوط به قدرت، حکومت، دولت، ملت، حاکمیت، مشروعیت، آزادی، دموکراسی، مشارکت سیاسی، عدالت اجتماعی، برابری، حقوق اساسی، هویت سیاسی و دیگر پدیده های مربوط به قلمرو سیاست نیز از دیگر عناصری است که ریشه در باورها، ارزش ها و عقاید یک جامعه دارد و در نتیجه، با فرهنگ سیاسی آن جامعه در ارتباط است (شارما، ۲۰۰۹). بنابراین با دامنه گسترده ای که این متغیر اجتماعی سیاسی پوشش می دهد، روشن است که برای شناخت بیشتر جامعه، مطالعه فرهنگ سیاسی

و عواملی که بر آن تأثیر می گذارد، ضروری به نظر می رسد. از کارآمدترین سازوکارهای ارتقاء فرهنگ سیاسی برای رسیدن به مناسبات اجتماعی مطلوب کاهش هزینه های وارده بر شهر؛ توجه به برنامه ریزی جهت ارتقای شاخص های مدیریت شهری در بین شهروندان می باشد (صفی و نظریان، ۱۳۹۳). باورها و اعتقادات و اموری از این دست که عوامل زیربنایی و تشکیل دهنده فرهنگ سیاسی معرفی می شوند تحت تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی اشکال و وجوه مختلفی به خود می گیرند از این رو می توان گفت یکی از این عوامل ساختار مدیریت شهری است.

پژوهشگران براین باورند که هدف تئوریک سیستم مدیریت شهری، تقویت فرایند توسعه شهری است به گونه ای که در سطح متعارف جامعه زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان به تناسب ویژگی های اجتماعی و اقتصادی فراهم شود. این اهداف را می توان در ده حوزه دسته بندی نمود: «حفاظت از محیط فیزیکی شهر، تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، ارتقای شرایط کار و زندگی کلیه شهروندان با توجه ویژه به افراد و گروه های کم درآمد، جلب مشارکت عموم مردم برای مدیریت شهرها، بهبود و توسعه ساختار سازمانی و تشکیلاتی سیستم و امور پرسنلی و قانونی، بهبود شیوه های مدیریت مالی و اقتصادی، تأکید بر مدیریت و برنامه ریزی استراتژیک و جامع سیستم، بسیج همه منابع توسعه شهری با مشارکت فعالانه بخش خصوصی و سازمان های مربوط به جامعه محلی، تأکید بر راهبردهای (توان بخشی) درباره مسکن و امکانات زیربنایی با کمک های ویژه برای اقشار کم درآمد و سازماندهی و بهبود کیفیت محیطی فیزیکی زندگی شهری به ویژه برای اکثریت عظیم فقیران شهرها» (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰). با این تفصیل هدف این مقاله اولاً بررسی وضعیت مؤلفه های ساختار مدیریت شهری و فرهنگ سیاسی در بین شهروندان ۱۸-۲۹ ساله

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۲۱۸

شهر تهران و ثانیاً بررسی سهم معنادار شاخص های ساختار مدیریت شهری در تبیین تغییرات توسعه فرهنگ سیاسی آن ها می باشد.

تعریف مفاهیم

فرهنگ سیاسی: به نظر ساموئل سی پترسون فرهنگ سیاسی مفهوم حساس و پیچیده ای است که به پاسخ های نمادین، احساسات، و ادراکاتی که مردم به سیستم سیاسی دارند و به ارتباط این گرایش ها با دیگر جنبه های سیاسی توجه می کند (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲)، فرهنگ سیاسی فضایی روانی است. در محیط روانی مزبور، مجموعه وسیعی از راه های تفکر و شیوه های اندیشه فرد درباره جلوه ها و مصداق های سیاست شکل می گیرند. مهم ترین عملی که در این محیط می تواند صورت گیرد تبیین الگوهایی است که سبب جهت گیری فرد به عینیت ها و واقعیات سیاسی - اجتماعی و پدیده های مختلف آن می شوند. به این ترتیب، مهم ترین دستاورد تعریف فرهنگ سیاسی این است که احتمالاً جهت گیری ها و رفتارهای سیاسی فرد رابطه ای علت و معلولی با ارزش ها و سمبل های او دارند (Kirbis, ۲۰۱۳).

سیستم مدیریت شهری: سیستم مدیریت شهری اصولاً به عنوان یک سطح و رده فضایی مدیریت محلی برای اداره همه امور یک شهر به عنوان یک واحد فضایی مطرح است. مدیریت شهری، فرایندی از مسئولیت ها و اقدامات مرتبط شامل سیاست گذاری، برنامه ریزی، سازماندهی، اجرا، نظارت و کنترل است که، برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع شهری تنظیم شده است. شکل گیری این فرایند و تحقق اهداف عملیاتی در سطح جوامع شهری تنظیم شده است. شکل گیری این فرایند و تحقق اهداف عملیاتی آن نیازمند یک ساختار سازمانی متناسب و کارآمد برای اعمال مدیریت می باشد. در این ارتباط، مدیریت شهری باید دیدگاه جامع نگرتری درباره اجزا و عناصر سیستم شهری اختیار کند (دیک، ۲۰۰۶). رویکرد

کل نگر، نیازمند نیروی هدایتی قوی است تا هماهنگی و همسویی لازم در فرایند مدیریت شهری حاصل گردد و مطلوب ترین نیروی هدایتی، مطمئناً یک حکومت شهری یا محلی قوی در سطح شهر خواهد بود. در این میان یکی از موارد مهم پس از تقویت سازمان های محلی و ایجاد حکومت محلی، طراحی و بهبود تماس و مشارکت میان حکومت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی (شهری) و تلاش برای دربرگیری بازیگران و ذینفعان متعدد شهری در اداره شهرهاست. این نگرش، در چارچوب رویکرد حاکمیت مدل منسجم از مدیریت شهری را به دست می دهد (لاله پور، ۱۳۹۰). در این مقاله سه شاخص برای ساختار مدیریت شهری به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

۱- «میزان مشارکت شهروندان»: جیمز گلس مشارکت اجتماعی را اینگونه تعریف می کند: «مشارکت شهروندان عبارت است از فراهم ساختن فرصت هایی برای شهروندان برای شرکت کردن در تصمیمات دولتی یا فرایندهای برنامه ریزی» (گلاس، ۱۹۷۹). اوکلی برای تعریف مشارکت، به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می پردازد که عبارتند از: مشارکت به عنوان سهم داشتن، مشارکت به عنوان سازماندهی و مشارکت به عنوان توانمندی (هال، ۲۰۰۵). به عبارت دیگر، اوکلی و مارسدن از مشارکت اجتماعی سه تفسیر ارائه داده اند: ۱- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه های عمومی، ۲- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندان و ۳- دخالت در فرایندهای تصمیم گیری، اجرا و سهمیم شدن عامه مردم در منافع. تفاسیر مطرح شده توسط اوکلی و مارسدن را از لحاظ اهمیت دادن به مردم و حقوق آنان، می توان در سه سطح، (مشارکت پایین) تفسیر اول، (مشارکت متوسط) تفسیر دوم و (مشارکت بالا) تفسیر سوم بیان نمود (پوتنام، ۲۰۰۲).

۲- «رعایت حقوق شهروندی»: حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیت های شهروندان

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۲۱۹

در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می شود (گیلن همکاران، ۲۰۱۱). مارشال حقوق شهروندی را در سه بعد تجزیه کرده است: ۱) بعد مدنی که شامل آزادی های فردی، آزادی مذهب، بیان، اندیشه و غیره می شود؛ ۲) بعد سیاسی که دربرگیرنده حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی (چه در نقش دارنده قدرت سیاسی و چه در نقش رأی دهنده یا تعیین کننده کسی که دارای قدرت سیاسی خواهد بود) می باشد و ۳) بعد اجتماعی که دامنه گسترده ای از حقوق حداقلی از رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی برای شهروندان تا حق سهیم شدن در میراث اجتماعی و غیره را دارد (مارشال و پوتنام، ۱۹۹۲).

۳- «ارائه خدمات شهری»: وظایف در این حوزه به سه گروه تقسیم می شوند: ۱- فنی و عمرانی: توجه به مبلمان شهری و تلاش در جهت زیباسازی محیط، نظارت بر ساخت و ساز و رعایت نکات ایمنی و فنی، رعایت نکات مربوط به پدافند غیرعامل شهری، توسعه بهینه و مطلوب فضاهای شهری، ایجاد خیابان ها و آسفالت کردن سواره روها و کوچه های عمومی. ۲- اجتماعی و فرهنگی: تأمین فضاهای ورزشی و تفریحی، برگزاری دوره های آموزشی (دوره ای که منجر به اخذ مدرک شهروندی و بالا بردن سطح معلومات فرهنگی و اجتماعی می شود)، مشارکت مردم در فرآیند تصمیم گیری، تأسیس فرهنگی و غنی سازی اوقات فراغت، رسیدگی به شکایات واصله و پاسخ جامع به آن ها. ۳- وظایف خدماتی: مدیریت ترافیک شهری (خط کشی، پل عابر پیاده و ...)، جلوگیری از سد معبر و مشاغل مزاحم، مبلمان شهری (سایبان کیوسک ها، نقاشی مناظر، سازوکاری که باعث آسایش، ایمنی و سرگرمی و ... شود)، تأمین روشنایی معابر در ساعات شب، کنترل

بهداشت عمومی و پاکیزگی محیط زیست منطقه (جمع آوری زباله و ...)، احداث، توسعه و نگهداری فضای سبز (رستمی و همکاران، ۱۳۹۴).

پیشینه تجربی تحقیق

ادیبی سده و هارطونیان (۱۳۸۶)، پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ارامنه جلفای اصفهان» انجام دادند. نتایج نشان داد بین مشارکت اجتماعی ارامنه با سن، تأهل، تعلق اجتماعی، آگاهی فردی و اجتماعی و رضایت از امکانات و وضعیت جامعه رابطه وجود دارد. فضای باز شبکه روابط و ساختارهای اجتماعی جامعه می تواند نقش مهمی در افزایش مشارکت اجتماعی داشته باشد. ضمناً با افزایش امکانات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و اوقات فراغت در جامعه می توان شرایطی ایجاد کرد که افراد جامعه برای رفع نیاز تعلق و همبستگی اجتماعی با میل و رغبت در مشارکت های مختلف شرکت کنند.

بنی فاطمه (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان «فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان» انجام دادند. نتایج تحقیق حاکی از این است که فرهنگ سیاسی زنان بر روی مشارکت سیاسی آنان تأثیر مهمی دارد. اما مهمترین عامل در بین عوامل مورد بررسی موقعیت اجتماعی - اقتصادی می باشد. ضمن اینکه بقیه فرضیه ها نیز مورد تأیید قرار گرفت و مشخص شد که تمامی عوامل مورد بررسی (البته با شدت کمتر و بیشتر) بر روی مشارکت سیاسی زنان تأثیر گذارند. در مجموع می توان گفت که فرهنگ سیاسی (همچون متغیر مهم موقعیت اقتصادی - اجتماعی)، یکی از عوامل مهم در کمتر و بیشتر شدن میزان مشارکت سیاسی زنان می باشد.

لطفی و همکاران (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان «مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان» انجام دادند. نتایج بررسی مجموعه مقررات شهری و طرح های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از تاریخ تأسیس تاکنون، حاکی از این است که متأسفانه چنین رویکردی در مجموعه

ضوابط و مقررات عمومی شهری کمتر دیده شده است. از نظر حقوقی جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدف ها و وظایف و روش انجام آن است.

عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰)، پژوهشی با عنوان «تبیین مؤلفه های تشکیل دهنده مدیریت شهری بر اساس مطالعه ساختار شهرداری ده شهر جهان» انجام دادند. نتایج نشان داد مدل نهایی مدیریت شهری دارای مؤلفه های مدیریت، فنی و مهندسی، شهرسازی، حسابداری، مالی و اقتصاد، علوم اجتماعی، اقتصاد، حقوق، علوم سیاسی، جغرافیا، نظامی و انتظامی است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «شاخص های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه داده های پیمایش ارزش های جهانی برای استان های ایران)» انجام دادند. نتایج حاکی از ارتباط معنی دار میان وضعیت شاخص توسعه انسانی و زیرمجموعه های آن یعنی درآمد سرانه، امید به زندگی و سطح آموزش با ارزش های رهایی بخش یعنی نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی است. یافته ها همچنین نشان از آن دارند که شاخص توسعه انسانی به تنهایی بیش از ۲۸/۲ درصد از واریانس گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی در استان های ایران را تبیین می کند.

احمدی و نمکی (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی (تحلیل ثانویه داده های پیمایش ارزش های جهانی برای استان های ایران)» انجام دادند. نتایج حاکی از این بود که برخی از شاخص های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد و مشارکت از تأثیر مثبت بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک برخوردار بوده و بالعکس، شاخص اطمینان به نهادها دارای تأثیر منفی در بروز این

ارزش ها بوده و شاخص درستکاری مدنی نیز بر خلق فرهنگ سیاسی دموکراتیک از تأثیر معناداری برخوردار نبود.

زاهد زاهدانی و زهری بیدگلی (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری» انجام دادند. یافته های پژوهش بیانگر آن است که شهرداری ها در کشورهای پیشرفته، پتانسیل مدیریت مشارکتی، را به بهترین نحو برای ایفای بهتر وظایف خود به کار گرفته اند و بدین ترتیب خود را از یک سازمان صرفاً خدماتی، به یک نهاد اجتماعی تبدیل نموده اند؛ اما شهرداری در جامعه ما بیشتر به عنوان یک سازمان خدماتی مطرح است و اگر شهرداری بخواهد خود را به عنوان یک نهاد اجتماعی فعال مطرح نماید، به دو پیش نیاز احتیاج دارد؛ نخست اینکه نهاد اجتماعی شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی باشد. دومین پیش نیاز اینکه مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است و بدین طریق است که این نهاد می تواند در همه شهروندان نهادینه شود. در نهایت پیشنهادهایی ارائه می گردد که بدین طریق شهرداری های کشور بتوانند با نهادینه کردن مشارکت اجتماعی در بین شهروندان، باعث شکل گیری ایده شهرداری به عنوان نهاد اجتماعی گردند.

عنایتی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی با عنوان «رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار دانشجویان» انجام دادند. نتایج نشان داد؛ هر سه بعد حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی نه تنها دارای رابطه معناداری با رفتار اجتماعی هستند بلکه پیش بینی کننده های معناداری نیز برای رفتار اجتماعی دانشجویان محسوب می شوند.

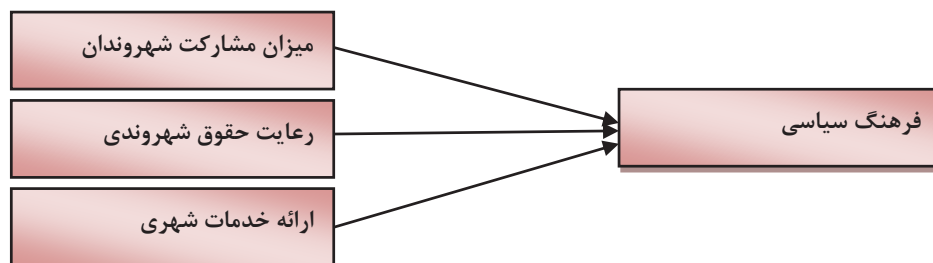
فرضیه های تحقیق

فرضیه اول: میزان مشارکت شهروندان به عنوان یکی از مؤلفه های ساختار مدیریت شهری بالاتر از حدوسط است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۲۲۱



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱) و برای مؤلفه‌های ساختار مدیریت شهری (میزان مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی، ارائه خدمات شهری) ۱۵ گویه در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت از خیلی زیاد (۵) تا خیلی کم (۱) تنظیم گردید. برای بررسی روایی پرسشنامه‌ها با توجه به ماهیت موضوع، در فرایند تنظیم پرسشنامه‌ها از روایی محتوایی که شامل روایی قضاوتی (اظهارنظر صاحب نظران) و صوری است استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. از آنجا که میزان بدست آمده برای متغیر فرهنگ سیاسی (۰/۸۱۹)، میزان مشارکت شهروندان (۰/۷۹۱)، رعایت حقوق شهروندی (۰/۷۱۴)، ارائه خدمات شهری (۰/۷۵۳)، بالاتر از ۰/۷ بود بیانگر هماهنگی درونی گویه‌ها و تأیید پایایی پرسشنامه بود. آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از آزمون استنباطی تی تک نمونه‌ای و رگرسیون دو متغیره با کاربرد نرم افزار SPSS۲۲ انجام گرفت. یافته‌های تحقیق

مطابق جدول ۱، مقدار سطح معناداری آزمون تی تک نمونه‌ای جهت بررسی فرضیات اول تا چهارم که تفاوت آماری معنادار بین دو میانگین واقعی و مفروض متغیرهای؛ فرهنگ سیاسی، میزان مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی، ارائه خدمات شهری را مورد سنجش قرار داده است، از مقدار ۰/۰۵ کوچکتر است، لذا فرض صفر مبنی بر اینکه مقدار میانگین متغیرها برابر با ۳ است، تأیید

فرضیه دوم: رعایت حقوق شهروندی به عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختار مدیریت شهری بالاتر از حدوسط است.

فرضیه سوم: ارائه خدمات شهری به عنوان یکی از مؤلفه‌های ساختار مدیریت شهری بالاتر از حدوسط است.

فرضیه چهارم: فرهنگ سیاسی جامعه مورد مطالعه بالاتر از حدوسط است.

فرضیه پنجم: میزان مشارکت شهروندان سهم مثبت و معناداری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی آن‌ها دارد.

فرضیه ششم: رعایت حقوق شهروندی سهم مثبت و معناداری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی شهروندان دارد.

فرضیه هفتم: ارائه خدمات شهری سهم مثبت و معناداری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی شهروندان دارد.

مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی، به لحاظ ماهیت توصیفی، به لحاظ روش اجرا پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل شهروندان ۱۸-۲۹ شهر تهران در سال ۱۳۹۵ می‌باشد. حجم نمونه ۲۰۰ نفر تعیین گردید. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. جهت سنجش متغیرهای تحقیق از پرسشنامه استفاده شد. برای متغیر فرهنگ سیاسی ۵ گویه در قالب طیف ۵

جدول ۱. آزمون t تک نمونه‌ای جهت بررسی تفاوت آماری معنادار بین دو میانگین واقعی و مفروض متغیرهای تحقیق

ارزش آزمون = ۳					میانگین	انحراف معیار	متغیرهای مکنون
سطح اطمینان ۹۵٪	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	مقادیر t			
حد بالا	حد پایین						
۴۷,۹۳۰۶	۴۴,۳۱۴۷	۴۶,۱۲۲۶۴	۰,۰۰۰	۱۹۹	۵۰,۵۸۵	۹,۳۸۷۶۳	فرهنگ سیاسی
۲۰,۲۵۲۸	۱۸,۸۶۰۴	۱۹,۵۵۶۶۰	۰,۰۰۰	۱۹۹	۵۵,۶۹۸	۳,۶۱۵۰۰	میزان مشارکت شهروندان
۲۵,۶۶۰۳	۲۳,۸۴۹۱	۲۴,۷۵۴۷۲	۰,۰۰۰	۱۹۹	۵۴,۲۰۱	۴,۷۰۲۲۰	رعایت حقوق شهروندی
۲۶,۹۷۷۵	۲۵,۳۴۳۲	۲۶,۱۶۰۳۸	۰,۰۰۰	۱۹۹	۶۳,۴۷۹	۴,۲۴۲۹۵	ارائه خدمات شهری

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

۲۲۳

و معناداری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی آنها دارد.

بر طبق جدول ۲، مقدار بدست آمده $F(27/121)$ که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است. نشان می‌دهد معادله رگرسیون معنادار است. مقدار ضریب همبستگی $(R/470)$ نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان رابطه متوسط و مثبتی با میزان فرهنگ سیاسی آن‌ها دارد، ضریب تعیین تعدیل شده $(adj.R^2/199)$ نشان می‌دهد متغیر مشارکت شهروندان حدود ۲۰ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی را تبیین می‌کند. ضریب رگرسیون $(B/47)$ نیز سهم متغیر مستقل را در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته مشخص می‌کند به عبارت دیگر، به ازاء یک واحد افزایش در مشارکت شهروندان، ۴۷ درصد به بهبود احساسات، و ادراکاتی که مردم به سیستم سیاسی دارند، افزوده می‌شود. و همچنین آماره t و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ برای آن نیز نشان می‌دهد که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر فرهنگ سیاسی داشته است.

نمی‌گردد. از طرفی دو عدد نشان داده شده در ستون مربوط به فاصله اطمینان ۹۵٪ (حد بالا و پایین) حاکی از آن است که، این مقادیر برای همه متغیرها هم جهت است. مثبت بودن حد پایین و بالای این فاصله، بیانگر این نکته است که میانگین نظرات پاسخگویان در مورد این مؤلفه‌ها بیشتر از عدد ۳ است و در مجموع نتایج تجزیه و تحلیل میانگین داده‌ها نشان می‌دهد که مقدار آماره t برای همه متغیرها، از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر است و در ناحیه بحرانی آزمون قرار دارد و به بیان دیگر اختلاف میانگین همه متغیرها از عدد ۳ معنادار است، لذا میانگین کلیه مؤلفه‌های ساختار مدیریت شهری (میزان مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی، ارائه خدمات شهری) بعنوان متغیرهای مستقل و فرهنگ سیاسی بعنوان متغیر وابسته، در بین شهروندان ۱۸-۲۹ ساله شهر تهران بالاتر از میانگین مفروض (۳) است. بنابراین می‌توان گفت ساختار مدیریت شهری و فرهنگ سیاسی در جامعه مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار است. در نتیجه فرضیه اول تا چهارم تحقیق تأیید می‌گردد. فرضیه پنجم: میزان مشارکت شهروندان سهم مثبت

جدول ۲. نتایج آزمون رگرسیون دومتغیره بین میزان مشارکت شهروندان و متغیر فرهنگ سیاسی

متغیر مستقل	R	R ² .adj	B	T	F	Sig
میزان مشارکت شهروندان	۰/۴۷۰	۰/۱۹۹	۰/۴۷۰	۵/۲۰۸	۳۷/۱۲۱	۰/۰۰۰

جدول ۳. نتایج آزمون رگرسیون دومتغیره بین میزان رعایت حقوق شهروندی و متغیر فرهنگ سیاسی

متغیر مستقل	R	R ² .adj	B	T	F	Sig
رعایت حقوق شهروندی	۰/۵۵۶	۰/۲۸	۰/۵۵۶	۴/۶۲۸	۲۱/۴۱۵	۰/۰۰۰

جدول ۴. نتایج آزمون رگرسیون دومتغیره بین میزان ارائه خدمات شهری و متغیر فرهنگ سیاسی

متغیر مستقل	R	R ² .adj	B	T	F	Sig
ارائه خدمات شهری	۰/۶۳۱	۰/۳۳	۰/۶۳۱	۳/۶	۱۲/۹۶۲	۰/۰۰۰

فرضیه ششم: رعایت حقوق شهروندی سهم مثبت و معناداری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی شهروندان دارد.

بر طبق جدول ۳، مقدار بدست آمده $F(21/415)$ که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است نشان می‌دهد معادله رگرسیون معنادار است. مقدار ضریب همبستگی ($R/556$) نشان می‌دهد که میزان رعایت حقوق شهروندی رابطه متوسط و مثبت با فرهنگ سیاسی دارد، ضریب تعیین تعدیل شده ($adj. R^2/28$) نشان می‌دهد متغیر رعایت حقوق شهروندی ۲۸ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی را تبیین می‌کند. ضریب رگرسیون ($B/556$) نیز سهم متغیر مستقل را در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته مشخص می‌کند به عبارت دیگر، به ازاء یک واحد افزایش در رعایت حقوق شهروندی، حدود ۵۶ درصد به بهبود ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور و احساس و ارزش‌های شهروندان در ارتباط با نظام سیاسی و مسائل سیاسی و اجتماعی، افزوده می‌شود. و همچنین آماره t و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ برای آن نیز نشان می‌دهد که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی داشته است.

فرضیه هفتم: ارائه خدمات شهری سهم مثبت و معناداری در تبیین تغییرات فرهنگ سیاسی

شهروندان دارد.

بر طبق جدول ۴، مقدار بدست آمده $F(12/962)$ که در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ معنادار است نشان می‌دهد معادله رگرسیون معنادار است. مقدار ضریب همبستگی ($R/631$) نشان می‌دهد که میزان ارائه خدمات شهری رابطه قوی و مستقیم با فرهنگ سیاسی شهروندان دارد، ضریب تعیین تعدیل شده ($adj. R^2/33$) نشان می‌دهد متغیر ارائه خدمات شهری ۳۳ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی شهروندان را تبیین می‌کند. ضریب رگرسیون ($B/631$) نیز سهم متغیر مستقل را در پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته مشخص می‌کند به عبارت دیگر، به ازاء یک واحد افزایش در میزان ارائه خدمات شهری، حدود ۶۳ درصد پاسخ‌های نمادین، احساسات، و ادراکاتی که مردم نسبت به سیستم سیاسی دارند بهبود می‌یابد. همچنین آماره t و سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۱ برای آن نیز نشان می‌دهد که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات متغیر فرهنگ سیاسی داشته است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

در اینجا خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیق ارائه می‌گردد:

• بر اساس نتایج مقدار آماره t تک نمونه‌ای برای

همه متغیرها، از مقدار بحرانی ۱/۹۶ بزرگتر بود و در ناحیه بحرانی آزمون قرار داشتو به بیان دیگر اختلاف میانگین همه متغیرها از عدد ۳ معنادار بود، لذا میانگین کلیه مؤلفه‌های ساختار مدیریت شهری (میزان مشارکت شهروندان، رعایت حقوق شهروندی، ارائه خدمات شهری) بعنوان متغیرهای مستقل و فرهنگ سیاسی بعنوان متغیر وابسته تحقیق، در بین شهروندان ۱۸-۲۹ ساله شهر تهران بالاتر از میانگین مفروض (۳) بود. بنابراین می‌توان گفت ساختار مدیریت شهری و فرهنگ سیاسی در جامعه مورد مطالعه از وضعیت مناسبی برخوردار بود.

- بر اساس نتایج متغیر مشارکت شهروندان حدود ۲۰ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی را تبیین کرد. ضریب رگرسیون نیز مشخص کرد، به ازاء یک واحد افزایش در مشارکت شهروندان، ۴۷ درصد به بهبود احساسات، و ادراکاتی که مردم به سیستم سیاسی دارند، افزوده شد. این یافته تحقیق با نتایج تحقیق زاهد زاهدانی و زهری بیدگلی (۱۳۹۱)، همسو و منطبق می‌باشد.

- بر اساس نتایج متغیر رعایت حقوق شهروندی ۲۸ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی را تبیین کرد. ضریب رگرسیون نیز مشخص کرد، به ازاء یک واحد افزایش در رعایت حقوق شهروندی، حدود ۵۶ درصد به بهبود ترکیب ایستارها، اعتقادات، شور و احساس و ارزش‌های شهروندان در ارتباط با نظام سیاسی و مسائل سیاسی و اجتماعی، افزوده شد. این یافته تحقیق با نتایج تحقیقات احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، احمدی و نمکی (۱۳۹۱) و عنایتی و همکاران (۱۳۹۱)، همسو و منطبق می‌باشد.

- بر اساس نتایج متغیر ارائه خدمات شهری ۳۳ درصد از تغییرات فرهنگ سیاسی شهروندان را تبیین کرد. ضریب رگرسیون نیز مشخص کرد، به ازاء یک واحد افزایش در میزان ارائه خدمات شهری، حدود ۶۳ درصد پاسخ‌های نمادین، احساسات، و ادراکاتی که مردم نسبت به سیستم سیاسی دارند بهبود می‌یابد. این یافته تحقیق با نتایج تحقیقات ادیبی سده

و هارطونیان (۱۳۸۶) و بنی فاطمه (۱۳۸۸)، همسو و منطبق می‌باشد.

پیشنهادهات

- در مجموع بر طبق آزمون فرضیه‌های مطرح شده، مدیریت شهری تهران از ساختار منسجم و کارآمد برخوردار است و وظایف محوله به سلسله مراتب مدیریت شهری از انعطاف پذیری و مشارکت خوبی برخوردار است. به سبب قوت مدیریت شهری و رشد یافتگی گروه‌های اجتماعی و نهادهای مدنی روحیه همکاری و مشارکت داوطلبانه شهروندان رضایت‌مندانه است.

- بر اساس نتایج از طریق تقویت مشارکت و همکاری با سایر ارگان‌های دولتی و خصوصی، آگاهی از حقوق شهروندی، احترام به حقوق شهروندان، تعدیل در ارائه خدمات به شهروندان و بهبود شیوه‌های مدیریت مالی و اقتصادی در مدیریت شهری می‌توان کیفیت محیط زندگی شهروندان را تغییر داد و به توسعه فرهنگ سیاسی نزدیک شد.

- آگاه‌سازی شهروندان با مفهوم حقوق شهروندی و آموزش و توانمندسازی آنان جهت ارتقای مهارت‌ها و کسب عادت‌های صحیح زندگی اجتماعی پیش شرط لازم در اداره امور شهر می‌باشد و این امر نیاز به برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی دارد که مدیریت و حاکمیت شهری می‌تواند در این خصوص بسیار تأثیرگذار باشد.

- با هدایت مدیریت شهری در جهت رشد گروه‌های اجتماعی، نهادهای مدنی و ایجاد فرصت‌های لازم برای مشارکت شهروندان که باعث افزایش اعتماد اجتماعی، روحیه همکاری و تقویت هویت جمعی فراگیر می‌شود می‌توان به افزایش مشارکت داوطلبانه شهروندان امیدوار بود.

- رعایت حقوق شهروندی بایستی در سلسله مراتب ارزشی جامعه جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان نظام مسئولیتی دوچندان در قبال این مهم دارند. بنابراین باید فعالیت‌هایی در زمینه تعهد به حقوق فردی و



جمعی برخاسته از آن صورت پذیرد.

- مدیریت شهری می تواند با آموزش حقوق شهروندی و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش، اتخاذ رویکرد شهروندمداری و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، حاکمیت قانون، مسئولیت پذیری در قبال شهروندان، کارایی و اثر بخشی، شفافیت و پاسخگویی در جهت ارتقاء حقوق شهروندان نقش آفرینی کند.

- با توجه به مؤثر بودن ارائه خدمات شهری بایستی چهار محور برای سیاست گذاری و مداخله مدیریت شهری برگزید. این محورها عبارتند از؛ بهبود اقتصاد شهری؛ تأمین بیشتر خدمات زیربنایی؛ مدیریت زمین؛ فقرزدایی. در کنار این چهار محور توجه به محیط زیست که یکی از ارکان توسعه است نیز به مداخله صحیح مدیریت شهری نیاز دارد.

منابع و مآخذ

• احمدی، یعقوب؛ نمکی، آزاد (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی (تحلیل ثانویه داده های پیمایش ارزش های جهانی برای استان های ایران). فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۹، صص ۲۴۱-۲۹۴.

• احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، شاخص های توسعه انسانی و فرهنگ سیاسی دموکراتیک (تحلیل ثانویه داده های پیمایش ارزش های جهانی برای استان های ایران). مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره ۱، صص ۱-۳۱.

• ادیبی سده، مهدی؛ هارطونیان، هاکب (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ارامنه جلفای اصفهان. مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره دوم، صص ۳۵-۶۵.

• امام جمعه زاده، سیدجواد؛ ابراهیمی پور، حوا؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ نوعی باغبان، سیدمرتضی (۱۳۹۲). سنجش رابطه فرهنگ سیاسی و رفتار سیاسی دانشجویان دختر دانشگاه اصفهان. نشریه

زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۱۹-۱۳۴.

• بنی فاطمه، سمیه السادات (۱۳۸۸). فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما محمدحسین پناهی، استاد مشاور عذرا جاراللهی.

• حاتمی، محمدرضا؛ فرجیان، مرتضی؛ روشن چشم، حامد؛ جمشیدی، علی (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر فرهنگ سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مطالعه موردی: دانشجویان واحد پارس آباد. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۹.

• خانیکی، هادی؛ سرشار، حمید؛ گونه شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان. دوفصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش سیاست نظری. دوره جدید، شماره ۱۱، صص ۹۱-۱۳۰.

• رستمی، محمدحسن؛ امان پور، سعید؛ کرمی، مهران؛ مراد رام نژاد، سید یدالله (۱۳۹۴). سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری در حوزه خدمات شهری (مطالعه موردی شهر دورود). مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۳۵-۵۰.

• رهبرقاضی، محمودرضا؛ گشول، سعید؛ عربیان، حسین؛ آشنایی، سهیلا (۱۳۹۵). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مشارکتی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۱-۱۲۲.

• زاهد زاهدانی، سیدسعید؛ زهری بیدگلی، سیدمحسن (۱۳۹۱). مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری. مطالعات جامعه شناختی شهری، سال دوم، شماره پنجم، صص ۸۳-۱۲۰.

• صفی، سمیه؛ نظریان، اصغر (۱۳۹۳). نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ شهر و شهرنشینی (مطالعه موردی: شهر همدان). فصلنامه آمایش

tion of social capital in contemporary society. Oxford university press.

- Sharma, K. (2009) Functional Management, New York: Kelani.
- Van Dijk, M.P. 2006. Managing Cities in Developing Countries, publish in chinese by renmin university press, 212 p.

محیط، شماره ۲۹، صص ۵۱-۷۳.

• عابدی جعفری، حسین؛ پور موسوی، سیدموسی؛ آقازاده، فتاح؛ بد، مهدیه؛ عابدی جعفری، عابد (۱۳۹۰). تبیین مؤلفه های تشکیل دهنده مدیریت شهری بر اساس مطالعه ساختار شهرداری ده شهر جهان. مطالعات شهری دانشگاه آزاد دهقان، سال اول، شماره اول، صص ۱۷۹-۲۰۲.

• عنایتی، ترانه؛ آراسته، حمیدرضا؛ ضامنی، فرشیده؛ نظافتی پایانی، یوسف (۱۳۹۱). رابطه آگاهی از حقوق شهروندی با رفتار دانشجویان. فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱۰-۱.

• لطفی، حیدر؛ عدالتخواه، فرداد؛ میرزایی، مینو؛ وزیرپور، شب بو (۱۳۸۸). مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۰۱-۱۱۰.

• لاله پور، منیژه؛ سرور، هوشنگ؛ سرور، رحیم (۱۳۹۰). ساختار مدیریت شهری ایران با تأکید بر تحولات کالبدی شهرها. فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۸، صص ۳۵-۵۸.

- Gillen, L., Coromina, L., Saris, W. E (2011) Measurement of Social Participation and its Place in Social Capital Theory. Social Indicators Research, 100.
- Glass, James J. (1979). "Citizen Participation in planning; the Relationship between objectives and techniques", APA Journal, vol.45. No.2.
- Hall, John (2005), "Government" in encyclopedia of city, Roger .W, Caves (Eds), Rutledge, London and New York.
- Marshall T.H. and Bottomore, T. (1992). Citizenship and Social Class. Landon: Pluto press.
- Kirbis. A. (2013). Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries, Democracy in Transition.
- Putnam, R (2002) Democracies in flux: the evolu-

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۲۲۷ ■

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۶ بهار ۹۶
No.46 Spring 2017

■ ۲۲۸ ■